

## انقلاب فرانسه

تأسیس دولت های ملی به شکلی که ما امروز می شناسیم در اروپا (به غیر از هلند و انگلستان) ارتباط مستقیم با انقلاب فرانسه دارد. تا آن زمان مفهوم دولت ملی و پادشاهی یکی بود و ملت در شمار ملک حاکم مقتدر به شمار می آمد. این نظام کهنه که از دوران فنودالیزم مستقیماً به ارث رسیده بود، با شرایط جدیدی که ظهور بورژوازی بوجود آورده بود، در تناقض قرار می گرفت. بورژوازی برای این که بتواند قدرت را تسخیر کند، مجبور بود تا خود را نماینده مردم، یعنی ملت، معرفی کند. همان طوری که روبسپیر گفت، «در دولت های اشرافیت کلمه «پاتری» (ملت) معنی ندارد، مگر برای خانواده های اشرافیت که قدرت را تسخیر کرده اند. تنها در دموکراسی است که کشور از مجموعه افرادی که ملت را می سازند، درست می شود.» (اچ کار، انقلاب بلشویک ها، جلد اول، ص ۴۱۴).

اصل اول انقلاب فرانسه مرکزیت سخت و انعطاف ناپذیرش بود. این اصل پیش شرط لازم برای موفقیت در مبارزه مرگ و زندگی برعلیه رژیم کهن بود که از طرف کل اروپا حمایت می شد. تحت شعار «جمهوری، واحد و تقسیم نشدنی» انقلاب، فرانسه را برای اولین بار به یک ملت تبدیل کرد و تمام اختلافات قومی را بین بریتانیایی ها، نورمن ها و پرونچال ها به کناری گذاشت. در غیر این صورت، تنها آلترناتیو، تجزیه شدن و مرگ خود انقلاب بود. در مرحله اول این انقلاب، پیروزی مردم انقلابی برعلیه فنودال ها مسأله اصلی و امیدبخش به سایر نیروهای مترقی و انقلابی در بقیه جهان بود. در مرحله بعدی ارتش انقلابی فرانسه مجبور شد تا به قدرت های بزرگ انگلستان و تزار روسیه که برای نابودی انقلاب کمر بسته بودند، حمله کرده و تمام جهان را در برابر قدرت انقلابی ملت مسلح به تحسین و تعجب وا دارد.

ارتش انقلابی روحیه شورش را به تمام جهان انتقال داد. در مراحل بعدی، ارتش «کنوانسیون فرانسه» از نظر مردم بقیه اروپا، ارتش رهایی بخش بشمار می آمد و در بقیه اروپا هم مانند فرانسه، نیروهای انقلابی تنها با حمایت مردم، می توانستند در مبارزه با نظام قدیم موفق شوند. این یک جنگ انقلابی و در نوع خود در تاریخ بی نظیر بود. در مستعمرات فرانسه، برده داری برجسته شد. پیام انقلابی «بیانیه حقوق بشر» در همه جا خبر پایان ستم فئودال ها و سلطنت طلبان را می داد.

دیوید تامسون در کتابش «اروپا بعد از ناپلئون» می نویسد: «فرانسویان از داخل پشتیبانی می شدند، به حدی که حتی خرابی هایی که به بار می آورد هم مورد استقبال قرار می گرفت تا این که مردم متوجه شدند که برای آن ها فرقی بین سروران فرانسوی با حاکمان رژیم قبلی وجود ندارد. آن گاه عقاید داشتن «دولت خودمختار» مطرح گردید. انقلابیون فرانسوی آگاهانه عقاید لیبرالیزم را پخش می کردند، ولی هم زمان باعث ایجاد عقاید ملی گرایی (ناسیونالیزم) هم می شدند.

با رسیدن به انتهای انقلاب فرانسه و در آغاز کهنه شدن آن بود که دیکتاتوری ناپلئون بناپارت را بوجود آورد؛ درست مانند رو به زوال رفتن دولت کارگری روسیه که منجر به دیکتاتوری بناپارتيست پرولتری به وسیله استالین گردید. تمام شعارهای دموکراتیک اوایل انقلاب، تبدیل به خواسته های جاه طلبانه ناپلئون گردید. اما با وجود شکل تخریب شده انقلاب، انقلاب فرانسه الهام بخش مناطق دیگر اروپا از جمله آلمان و ایتالیا شد.

تامسون در همان کتاب هم چنین آورده است که «ناپلئون با از بین بردن فئودالیزم در مناطق جنوبی اروپا، در واقع باعث آوردن انقلاب در آن کشورها، به خصوص آلمان و ایتالیا گشت. در نتیجه آن، فئودالیزم به عنوان نظامی که بر دهقانان سلطه داشت و فئودالیزم از نظر نظام اقتصادی که شامل باج گرفتن از دهقانان بود، ریشه کن گردید. اگر چه برای دهقانان این آزادی بدون پرداخت غرامت و تحمل زیان های دیگر نبود. به هیچ گونه مطالبات کلیسا هم اجازه داده نشد که بر سر راه این باز

سازماندهی قرار گیرد. طبقه متوسط و دهقانان هم مانند اشراف، همگی مسئولیت داشتند که بطور مساوی به دولت مالیات پرداخت کنند. نظام باجگیری و مالیات تا حدودی منصفانه و کارا بود. مالیات های محلی جمع و الیگارشسی شهرها منقضی گردید. فرصت پیشرفت استعدادها باز شد. در دوره ناپلئون باد مدرنیزم بر اروپا وزید. حملات وحشیانه او برای تبدیل سایر سرزمین ها به قمرهای خود، موفقیت آمیز درآمد، به خصوص در زمینه از بین بردن مقررات و امتیازاتی که از تقسیم بندی های سابق باقی مانده بود. بیشتر چیزهایی که او از بین برد، غیرقابل بازیابی بود»

تهاجم فرانسه به سایر مناطق اروپا بی شک باعث ایجاد اپوزیسیونی شد که به شکل جنگ های آزادی بخش ملی ظاهر گردید و در پی خود، سلطه فرانسه را بر آن مناطق از بین برد. در پروس همه ملت قیام کرده و «فردریک ویلیام سوم» را وادار به جنگ با ناپلئون کردند. از هرج و مرج جنگ های خونین ناپلئونی، بیشتر دولت های امروز اروپا شکل گرفت.

## آلن وودز

ترجمه: سارا قاضی

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN , London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳